

# کوردستان

خودمختاری  
برای  
کوردستان

Doc\_Number: KP000236

ازمان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران

۱۴۷ اسفندماه ۱۳۶۷ - مارس ۱۹۸۹ ۵۰ ریال

## گذشته و آینده افغانستان

روز بیست و ششم بهمن ماه آخرین دسته از سربازان شوروی خاک افغانستان را ترک کردند و بدین ترتیب با تنها گذاشتن حکومت "نجیب الله" در برابر "مجاهدین" ظاهری بتمامی "افغانستانی" به جنگ در این کشور دادند. اسفندماه ۹ سال و اندی پیش که ارتش سرخ تحت عنوان پاسخ مثبت به درخواست کمک از جانشینان حکومت انقلابی بمرکز کارمسل وارد افغانستان میشوند (۲۴ دسامبر ۱۹۷۶ = سوم دیماه ۱۳۵۸) چه کسی میتواند بپایانی اینچنین برای دخالت مستقیم شوروی پیش بینی کند؟ حقیقت آنستکه در آن زمان کمتر کسی را - بویژه در خارج

### اطلاعیه دفتر سیاسی بنیادیت برگزاری پلنوم کمیته مرکزی

هم میهنان گرامی! مردم مبارز کوردستان! رفقای عزیز! دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان ایران اعلام میدارد که در روزهای ۱۴-۹ اسفندماه ۱۳۶۷ پلنوم کمیته مرکزی برگزار گردید و با موفقیت به کارهای خویش پایان داد. پلنوم در آغاز کار گزارش دفتر سیاسی را استماع کرد که در آن شرایط و موقعیت است سیاسی کنونی کوردستان و ایران مورد بررسی قرار گرفته بود. بدنبال یک بحث مفصل و همه جانبه پرامون

## نامه برای ادوارد شوارز نادره

### هشتم مارس، روز جهانی زن

دومین کنگره جهانی زنان در سال ۱۹۱۰ در کونیه پایتخت دانمارک که در آن نمایندگان زنان ۱۷ کشور شرکت داشتند، تصویب کرد که روز ۸ مارس بعنوان روز جهانی

در این شماره:

- ۱۲ ★ درباره کتاب «سلمان رشدی»
- ۱۴ ★ فعالیت در خارج از کشور
- ۱۵ ★ "عمو" زندانیان سیاسی
- ۱۹ ★ چند خبر مهم ایران و جهان
- ۲۰ ★ تیریاک نور روز

### به استقبال سال نو

با پایان رسیدن اسفند ماه سال ۱۳۶۷ شمسی با ممتلحنی ها و شیرینی ها و خوشی ها و ناخوشیهایش ما بدرود میگوئیم و سالی نو از راه میرسد که با دنیایی از امید و آرزو پرورش آغوش می‌شاییم. معمول است که در پایان هر سال نگاه

## بلای اعتیاد در جمهوری اسلامی

تلاشها در آینده هم همچنان ادامه یابند و دفتر سیاسی امکانات بیشتری صرف اینکار بنماید.

۴- روابط با سازمانها و شخصیت ها

تحکیم روابط دوست-سازشده، همکاری با احزاب و سازمانها و شخصیت های ایرانی که به دموکراسی و خودمختاری اعتقاد دارند یکی از وظایف مهم حزب است. در این رابطه پلنوم ضمن تأکید سیاست های گذشته حزب توصیه کرد که دفتر سیاسی برای گسترش و تحکیم این رابطه تلاش بیشتری بعمل آورد. بشرط آنکه هدف استقلال تصمیم گیری حزب و منافع خلق کرد را بعنوان معیار اساسی در روابط خود همچنان در نظر داشته باشد.

#### ۵- مسائل مالی

مشکلات مالی و مسأله بودجه بندی بخش دیگری از بحث های پلنوم را بخود اختصاص داد. کمیته مرکزی روبهرفته بودجه بندی را بعنوان يك کار درست و مفید ارزیابی نمود و رهنمود داد که این کار در آینده سال بسال دقیقتر و جدی تر انجام برسد. در همین جهت ضروری دانسته شد که حزب با توجه به امکانات خویش توجه ویژه ای به رفع نیازهای نیروی پیشمرگه مبذول دارد. پلنوم در این باره هم رهنمودهایی به دفتر سیاسی ارائه داد.

پس از پایان کار پلنوم، شرکت کنندگان به محلهای کار و فعالیت خود باز گشتند. دفتر سیاسی امیدوار است که هم رهبری و هم کادرها و هم اعضا و پیشمرگان حزب با پشتیبانی بیخبرخ مردم کردستان در اجرای تصمیمات پلنوم و انجام رساندن همه وظایف مرحله کنونی مبارزه در راه تحقق شعار "دمکراسی برای ایران" و خودمختاری برای کردستان موفق و پیروز باشند.

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران

هجدهم اسفندماه ۱۳۶۷

بفیه: اطلاعات دفتر سیاسی ...

این گزارش، پلنوم آنرا مورد تصویب قرار داد، و وظایف حزب را در سال ۱۳۶۸ در خطوط اساسی خود به شرح زیر تعیین نمود:

#### ۱- فعالیت تشکیلاتی

اهمیت دادن به فعالیت تشکیلاتی در صدر وظایف فعالان حزبی قرار دارد. از اینرو لازم است با توجه به تحریکات سالهای گذشته تلاش بعمل آید تا نواقص کار تشکیلاتی تا حد ممکن رفع گردند و تشکیلاتی بوجود آید که بتواند هر چه بیشتر پاسخگوی شرایط کنونی مبارزه حزب دمکرات و خلق کرد در کردستان ایران باشد. در این باره رهنمودهای لازم تهیه شد که ارگانهای مسؤول حزبی در جریان کار خویش آنها را مورد توجه قرار دهند.

#### ۲- مبارزه مسلحانه

تداوم مبارزه مسلحانه حزب پس از برقراری آتش بس بین ایران و عراق نشان داد که برخلاف تبلیغات دشمنان، جنبش خلق کرد بمشابه يك عامل مستقل در صحنه عمل حضور دارد. در هر شرایطی از توانایی ادامه مبارزه با دشمن برخوردار است. در این زمینه تصمیم گرفته شد مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگه همچنان قاطعانه ادامه یابد، و برای این شیوه از مبارزه ازسوی پلنوم رهنمودهایی هم بتصویب رسید.

#### ۳- فعالیت بین المللی

در سال ۱۳۶۷ فرصت مناسبی برای شناساندن خواستهای عادلانه خلق کرد به افکار عمومی جهانی فراهم آمد و دفتر سیاسی در این زمینه فعالیت چشمگیری بعمل آورد و دستاوردهای بسیار مهمی داشت. پلنوم ضمن ابراز رضایت از فعالیت های دفتر سیاسی خواستار شد که این

## سقیه: گذشته و آینده افغانستان

از افغانستان - مشهد یافت که در پیروزی نظامی نیروی مشترک افغانستان و ارتش سرخ بر مقاومت ارتجاعی "مجاهدین" افغانستان، و استقرار نهایی یک رژیم "سوسیالیستی" در آن کشور چندان تردیدی داشته باشد. در آنگاه، اتحاد شوروی از جنبه داخلی دوره سکوت و آرامش "برژنف" را میگذراند. سکوت و آرامشی که کشور شوراها را فارغ از هر مشکل قابل ذکری می‌نمایاند. علاوه بر اتحاد شوروی در کشورهای سوسیالیستی اروپا نیز بجز لهستان که با مشکل نهضت "همبستگی" یعنی خواست بخشی بزرگ از کارگران جهت ایجاد سندیکای غیردولتی و مستقل روبرو بود اوضاع رویهمرفته آرام بنظر میرسد. مشکلات اقتصادی و سیاسی، چون شیخی نمایانده میشد که بال زدنش را تنها بر فراز سر کشورهای سرمایه‌داری میبایستی نظاره کرد.

در سطح جهانی هم "سوسیالیسم" روز بروز بیشتر جای پای کمتری در امریکای لاتین علاوه بر کوبای باثبات و استقرار یافته، نیکاراگوئه نیز بدنیال پیروزی ساندینیست‌ها به جمع نیروهای سوسیالیستی پیوسته بود. در آفریقا: انگولا

و موزامبیک و استوی بی‌عنوان سه قطب مشخص نظام سوسیالیستی نوید آینده‌ای پر امید برای گسترش سوسیالیسم در این قاره میدادند. در آسیای جنوب شرقی نیروهای ویتنامی - خمرهای سرخ را از نقاط اصلی کامبوج رانده و یکمک یک حکومت کامبوجی دوست و وابسته بخود سرگرم آرامسازی و ثبات بخشیدن به اوضاع بودند. از همه مهمتر، در همسایگی شوروی و افغانستان، ایران شاه، پایگاه مطمئن و مستحکم امپریالیسم امریکا بدنیال یک انقلاب گسترده مردمی سقوط کرده، و در ایران نوین احساسات ضد امپریالیسم در اوج خود بود. در برابر ایالات متحده امریکا هنوز مبهوت از ضربه شکست سنگین خود در ویتنام، و بیمناک از دخالتی موثر در مسائل خارج از مرزهایش، کم و بیش در لاک خود فرو رفته بود. فزون بر همه اینها، تا آنگاه سابقه نداشت که ارتش سرخ جایی را اشغال کند، و قبل از اطمینان کامل از ثبات اوضاع تحت فشار نظامی از آنجا خارج شده باشد. توجه به تمامی این داده‌ها هر ناظری را و امید داشت که به حفظ و استقرار سوسیالیسم در افغانستان اجباراً بعنوان پدیده‌ای برگشت ناپذیر بنگرد!

با این سابقه، اکنون که پس از سال ارتش شوروی سرخورده و ناکام - و لشکر شادمان از اینکه خود را از گرداب جنگ نجات میدهند - افغانستان را ترک میگویند، باره علت یا علت‌های این ناکامی چه میتوان گفت؟ و از این تجربه چه درسهایی میتوان گرفت؟ درسهایی که نشان دهد خطاها و کژرویهایی که در این میان روی داده است آیا چگونه که مخالفان سوسیالیسم میخواهند و انمود کنند ناشی از جوهر و ماهیت سوسیالیسم است؟ و یا در واقع مربوط به اشتباهات و نداشتن کاریهایی است که بنام سوسیالیسم بانجام رسیده است؟

نخستین نکته در این رابطه، بدون شک یک ارزیابی اصولی و منصفانه از درستی یا نادرستی دخالت مستقیم ارتش شوروی است.

همچنانکه اشاره شد بهانه این عمل پاسخ مثبت به درخواست پاری از جانب حکومت رسمی افغانستان، و لزوم پایبندی به اصول همبستگی انترناتیونالیستی عنوان شد. اما واضح است که این بهانه با اصول پذیرفته شده بین المللی دایر بر عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر میبایست دارد؛ و در عمل هم راه را برای امریکا و سایر کشورهای

تکیه بر مشروعیت و حقانیتی که واقعا در ذات خود دارد است؟ سرانجام، آخرین نکته پرسش است که بدون شک در ذهن بسیاری از اشخاص وجود دارد، هر چند هم صراحتاً بر زبان رانده نشود. آن پرسش هم اینست که: اتحاد شوروی که امروز بحق خود را از گرداب جنگ افغانستان نجات میدهد، چه مسؤولیتی درباره سرنوشت حکومت فعلی این کشور، و رویهمرفته نیروی چه در افغانستان، یعنی همه آنانکه در اینمند، چه بذاتر ایدآل‌هایشان و چه بغل دیگر با وی همکاری داشته اند بر دوش خود حس میکنند؟ بعبارت دیگر، درست است که اکنون معلوم شده است دوره سکوت "برژنفی" برای اتحاد شوروی در واقع دوره "رکودی" بوده است که در دنیای کنونی و بویژه برای کنوری چون اتحاد شوروی عملاً بمعنای پسروری و عقب ماندگی سرچشم از کاروان بر تحرک دنیای امروز است، و نتیجه آنرا در وضع ناهنجار اقتصادی کنونی اتحاد شوروی می بینیم؟ و درست است که این وضع موجب بعید آمدن فضایی از بر سر روی کاو گلاسنوست شده است که هم عقب کنی شدن نیروهای شوروی از افغانستان را موجب گشته، و هم امکان

رواج مارکسیزم گردد، و نه سبب بیزاری دانش آموزان و اولیای آنان، و روی آوردن بیش از پیش آنها به عقاید ارتجاعی مذهبی؟ در بیشتر مدت ۹ سال گذشته، در افغانستان کم و بیش تحت اشغال، تقریباً هرگونه عملکرد سرکوبگرانه ای مجاز شمرده شده است. با این استدلال که مقاومت افغانستان مقاومتی است کاملاً ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه، اما از یکسو، چرا باید غرور ملی و احساس میهن پرستانه مردم یک سرزمین برای دفاع از خویشتن در برابر مداخله یک نیروی خارجی اینهمه دست کم گرفته شود؟ آنهم مردمی چون مردم افغانستان که از درخشانترین سوابق تاریخی هستند، از سوی دیگر، چرا ارتجاع منطقه و امپریالیسم غرب باید بتوانند اکثریت قابل توجهی از مردم افغانستان را به میدان مبارزه ای خشن و خونین علیه حکومت و نظامی بکشانند که قاعدتاً می خواهد برای آنها پیشرفت و شکوفایی و رفاه و عدالت اجتماعی به ارمغان آورد؟ این چه سوسیالیسمی است که از بیم امپریالیسم باید بزور، و از راه استقرار دیکتاتوری عربان نظامی از آن دفاع کرده شود، و نه با

امپریالیستی باز میکند تا دخالت‌های نظامی خود را به منظور سرکوب نهضت‌های آزادیبخش در جهان، و بر سر کار آوردن یا حفظ حکومت‌های وابسته بخود توجیه نمایند. چرا که اگر حقی برای یکطرف هست بچه دلیل همان حق برای طرف دیگر مردود است؟ دومین نکته در همین رابطه اینست که: تحمیل خشن یک ایدئولوژی نظیر مارکسیزم را بر مردمی چون مردم افغانستان چگونه باید توجیه کرد؟ مردمی که در اکثریت عظیم خود شدیداً غرق در تعصبات مذهبی هستند، و در پی پیوندهای عمیره ای گرفتارند. آیا کودتاهای پیدری نظامی (ترکی، آیه داود، حفیظ (الاه امین علیه ترکی، بیک کارمل علیه حفیظ الالامین، و سرانجام دخالت مستقیم ارتش سرخ برای سرکوب عمومی مخالفان همان چیزی است که انقلاب سوسیالیستی نام دارد؟ برآستی پرسیدی است که چگونه مساله ای باین سادگی از نظر دور ممانند که تحمیل مطلوب ترین چیزهای عالم در عمل بیشتر منجر به ایجاد عکس العمل منفی در برابر آن میشود؟ و چرا انتظار میرفت که بعنوان مثال، تدریس اجباری مارکسیزم در مدارس افغانستان موجب

مطرح کردن و بسیان کشیدن اینگونه بحث‌ها را فراهم آورده است؛ لیکن آیا این «واقع بینی» از جانب اتحاد شوروی به مفهوم فراموش کردن همه تعهدات سیاسی و اخلاقی، و سلب مسوولیت‌های انقلابی، و ایدئولوژیکی و انسانی از خویش است؟ و آیا در اینصورت خروج نیروهای شوروی از افغانستان، بهمانگونه که غرب امپریالیستی میخواهد بنمایاند، شباهت به فرار امریکاییان از ویتنام پیدا نخواهد کرد؟

\*\*\*\*\*

اما، اکنون درباره آینده افغانستان چه میتوان گفت؟ واقعیت آنستکه در حال حاضر تنها چیزی که در اینمورد با اطمینان قابل پیش‌بینی است عبارتست از آینده ازمیم، بی‌شباهت و خونین، چراکه بهر حال در ارتجاعی بودن آنچه بنام مجاهدین خود را رهبر مقاومت افغانستان نمایانده است تردیدی نیست؛ بلك ارتجاع مذهبی تا حدود زیادی قرون وسطایی، این ارتجاع قرون وسطایی اگر هم بفرغ بقدرت برسد در حدود ایده آل خود چیزی خواهد بود از نوع رژیم آخوندی ایران؛ و همه می‌بینیم که این رژیم

ولیکن، راستی آنستکه مجاهدین افغانستان بهیچوجه قادر به تشکیل حکومتی نظیر حکومت خمینی در ایران نخواهند بود، زیرا که آنان و افغانستان با خمینی و ایران فرق بسیار دارند؛ يك نظام مذهبی قرون وسطایی، در هر صورت شکل و ماهیت پی دیکتاتورانه دارد، و از اینرو محتاج «دیکتاتور» یعنی فرد مشخصی است که در بالای سر همه فرمان دهد و فرمانهایش مطاع باشد؛ آنچنانکه خمینی در ایران هست. در حالیکه مجاهدین افغانستان نه تنها «امام»ی چون خمینی بالای سر ندارند، بلکه از بکدستی و هماهنگی بسیار دورند؛ و اختلافات فراوان و گوناگونی باهم دارند؛

نخستین اختلاف مهم در بین مجاهدین افغان، اختلاف «سنی» و «شیعه» است، و زیاده طلبی‌های شیعیان را که البته به پشتیبانی ایران دلگرمند این روزها بوضوح می‌بینیم. دوم آنکه - سنی‌ها هم که اکثریت دارند همانطور که گفتیم نه دارای رهبر واحد بلامنازعی هستند، و نه از نظر عقاید و برداشتهای مذهبی و سیاسی، آرزوها و جاه طلبی‌ها در يك مسیر گام برمیدارند. وقایعی که در

شاهد بر این واقعیت است، سوم آنکه - تجزیهات تاریخی تاکنون بارها نشان داده است که رهبری خارج از کشوریك جنبش با برخورداری از تسهیلات و امکانات بیشتر تبلیغاتی، البته میتواند تا مدتی خود را بمشابه رهبری واقعی و بلامنازع بنمایاند. اما سخن آخر را اغلب مقاومت داخلی و حاضر در میدان اصلی مبارزه میزند. بنابراین، پرسیدنی است که آیا برآستی کسانی از رهبران شناخته شده داخلی حرفی جز حرف رهبران خارجه نشین برای گفتن ندارند؟

چهارم آنکه - علاوه بر حساسیت‌های مذهبی و سیاسی، حساسیت‌های ملی نیز نقش بسیار مهمی در افغانستان دارند. در کشوریکه بقول یکی از اعضای رهبری حزب حاکم، نمیتوان در جلسات مرکزیت حزب مثلاً از يك عضو صاحبك دفتر سیاسی انتقاد کرد بدون آنکه این انتقاد توهین به همه تاجیکها تلقی شود. بدیهی است که نمیتوان در زیر پوشش يك حکومت مذهبی، مسائل ملی را نادیده گرفت،

بالاخره بنجمین و آخرین واقعیت که دستگاہهای تبلیغاتی غرب میخواهند از

## بقیه: به استقبال سال نو

به رویدادهای مهم آن انداخته می شود ، و از نقاط ضعف و قوت تلاش و فعالیت در آن سال بیست و یک ارزیابی بعمل می آید . از این رو در این پایان سال فرصت مناسبی است که مبارزان حزب دمکرات کوردستان ایران ، و کوشندگان راه رهایی کوردستان هم نظری بر جریانات برجسته سال - جریاناتی که به مبارزه و تلاش آنان مربوط می شود - بیفکنند ، برای آنکه پیروزی ها و ناکامی های سال گذشته را توشه راه فعالیت های خود در سال آینده گردانند ، از تکرار خطاها و کج رویها تا آنجا که ممکن است پرهیز کنند ، در رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت بکوشند ، و سرانجام وظایف اساسی و مهم خود را در مبارزه ای که در پیش رازد با توجه به تجربیات بدست آمده مشخص نمایند .

سال ۱۳۶۷ در رابطه با مبارزه حزب ما و مردم کوردستان در راه کسب حقوق عادلانه خلق کوردستان پس از حادثه ، و در همان حال سالسی ملو از تجربه و دست آورد و پیروزی های سیاسی بود . برای اختراز از تفصیل کلام ، تنها بذكر بخشی اندک اما پر اهمیت از حوادث و رویدادهایی که در سال گذشته در مسیر پرفراز و نشیب مبارزه حزب ما و مردم کوردستان پدیدار شده اند اکتفا می کنیم :

در نخستین روزهای سال ۱۳۶۷ بود که دسته ای از اعضای کمیته مرکزی پیش از کنکرة هشتم حزب - به تحریک و پشتیبانی مجاهدین رجحوی

بیاننامه ای منتشر کردند و بیرون رفتن و جدایی خویش از حزب دمکرات کوردستان ایران را اعلام نمودند . این رویداد بویژه در آن شرایط و بویژه جنبش آزاد بیخس کوردستان از دو نظر قابل توجه بود : از یک سو ، جدا شدن این گروه به حال ضربه ای بود که در یکی از حساسترین مراحل مبارزه مردم کوردستان بر بیکر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کوردستان می آمد ، زیرا این باند که نام مقدس حزب دمکرات کوردستان ایران ، و صالح جنبش انقلابی مردم کوردستان را به قبضی ارزان به دارو بستند ، انحصار طلب و کینه توز رجحوی فروخته بودند تنها به رفتن خویش قناع بست نکردند ، شماری از کارها و پیشمرگان خوب راهم - هر کدام به شیر - سوای اغوا نموده با خود بردند ، بدین ترتیب ، گروه منحرف در شرایطی بسیار حساس خیانتی بزرگ نسبت به آرمانهای دیرینه مردم کوردستان انجام داد .

درست در زمانیکه پیشمرگان می بایستی خود را برای مبارزه ای سخت و بی امان آماده کنند و هنگامی که می بایستی نیروی حزب و توده های مردم برای مقابله با غاصبان حقوق خلق کوردستان بطور یکپارچه در صحنه حضور یابند ، گروه منحرف با عمل خائنه خود دو سنگی ایجاد کرد و بخشی - هر چند کم - از کارها و پیشمرگان را از راه مبارزه دلسرد نموده تخم تردید و ناامیدی در دل مشتاقان آزادی خلق کوردستان

لیکن از سوی دیگر این رویداد از آن جهت اهمیت داشت که یکبار دیگر اصالت حزب دمکرات کوردستان ایران و ریشه عمیق این حزب را در قلب توده های مبارز مردم کوردستان ایران به گونه ای واضح تر از سابق نشان داد ، و به دوست و دشمن ثابت کرد که حزب دمکرات می تواند بسی ضربه ای این چنینی و بزرگنیز این راهم تحمل کند و خم نگردد . علیرغم همه سپاشی های گروه منحرف و پشتیبانان رنگارنگ آنها ، توده های خلق کوردستان درک سیاسی هشیارانه خود بسیار زود به توطئه دشمنان و خائنان پی بردند و این بار هم پشتیبانی قاطعشان را از حزب محبوب خویش ابراز داشتند .

برخلاف آرزوی دشمنان خلق کوردستان مخالفان آزادی و استقلال حزب دمکرات کوردستان ایران رفقای حزبی چون همیشه حضور خود را در میدان مبارزه عملا " بصورتی حماسه ای اثبات کردند ، و بعاند سالهای پیشین توده های مردم را بدور شعارهای حزب گرد آوردند و در زیر چتر پشتیبانی همجانانه مردم کوردستان به پیمودن راه پرافتخار خود ادامه دادند و وظیفه میهنی خویش را بطور شایسته به انجام رساندند .

در تابستان سال ۱۳۶۷ رژیم آخوندی تحت فشار شکستهای سیاسی و نظامی و اقتصادی ناچار شد پس از يك سال تعلل قطعنامه ششجانبی امنیت سازمان ملل متحد را بپذیرد . خونی جام زهر آتش بر سر او نوشید ، و بدین ترتیب پس از هشت سال جنگ بی معنا و بی نتیجه و آن همه

زیان جانی و مالی که این جنگ برای دو کشور همسایه ایران و عراق بسیار آورد، جنگ متوقف شد و در پی روی گفتگوی مسالمت آمیز جهت رفع اختلافات بین ایران و عراق بازگردید. بدون شك، خاتمه یافتن جنگ هشت ساله پیروزی بزرگی برای خلق کرد و همه خلقهای ایران، و شكست و ناکامی بسیار تلخی برای رژیم آخوندی بود. رژیم خمینی با قبول آتش بس ناچار شد به شكست خود اعتراف کند، و شعار اصلی خود: "جنگ، جنگ، تا پیروزی" را که هشت سال بود گوشهای مردم دنیا را با آن می آزرده بکنار نهد. بی جهت نبود که خمینی با صراحت اعلام نمود که اگر (خدای نخواست) آبرویی هم داشته است آن را در راه ارادتمندان معامله کرده است.

لیکن پایان یافتن جنگ ایران و عراق برای حزب دمکرات کردستان ایران از دو جهت موفقیتی بشمار می آید: نخست - از این جهت که نظرسنجی درباره بی معنا و بی نتیجه بودن این جنگ با ثبات رسید و معلوم شد که اختلافات بین ایران و عراق را از طریق جنگ و لشکرکشی نمی توان حل کرد. حزب ما از سالها پیش علیه ادامه این جنگ موضع گرفت و شعار لزوم آتش بس را مطرح نمود. بنابراین توقف جنگ به معنای تحقق شعار حزب دمکرات، و اثبات منطقی بودن و صحت تحلیل و برداشتهای آن بود. دوم از این جهت که مبارزان حزب به دوست و دشمن نشان دادند جنبش‌های بخشش مردم کردستان ایران زائیده‌های از جنگ میان دو دولت همسایه نیست، و

به همانگونه که پیش از شعله‌ور شدن آتش جنگ بین ایران و عراق آغاز گشته است، پس از آتش بس و توقف جنگ هم، تا تحقق آرمانهای اساسی مردم کردستان یعنی دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان همچنان ادامه خواهد داشت.

در سطح بین‌المللی هم سال ۱۳۶۷ برای جنبش‌های بخش خلق کرد سال پودست‌آوردی بود. در تاریخ مبارزه ملی خلق کرد هیچگاه ساله کردستان سال ۱۳۶۷ در سطح بین‌المللی مطرح نبوده، و توجه افکار عمومی جهان و سازمانها و جمعیت‌های بین‌المللی را بسوی خود جلب ننموده است. انعکاس ساله کرد در سال گذشته در جهان خارج که پذیرش سند انترناسیونال سوسیالیست در مورد ساله کرد یکی از آشکار آن است برآستی پیروزی بزرگی برای جنبش مردم کردستان است، و ما همین دید است که باید نگریسته شود. با در نظر گرفتن اینها، و بسیاری رویداد مهم دیگر است که با قلبی بی‌امید و چشمی پرانتظار بس استقبال سال تازه - سال ۱۳۶۸ - می‌رویم. بدیهی است که هر کس در آغاز سال نو این آرزو را در دل می‌پروراند که سال تازه سال پیروزی، و سال تحقق آرمانهای دیرینه‌اش باشد، لیکن انقلابیون راستین، و رهبران واقعی راه سعادت و سرلندی خلقها تنها به آرزومندی و امید پیروزی قناعت نمی‌کنند، و تلاش می‌کنند خود آینده خویش را بسازند و در تحقق آرزوهایشان نقش داشته باشند.

برای آنکه طرح زندگی آینده خلق ما، بگونه‌ای که حاوی سعادت و رفاه و

آزادی برای همه باشد، ترسیم گردد، و برای آنکه جامعه ما آنگونه که دلخواه ما است بنیاد نهاده شود، بایستی از تجربیات گذشته درس بیاموزیم، و پیروزیها و ناکامی‌ها را هر دو دستمایه مبارزه برای پیروزیهای آینده گردانیم. در این راستا وظیفه ما است که:

۱. قبل از هر چیزی در حفظ و تحکیم ارتباط ناگسستگی حزب ما با توده‌های وسیع مردم کردستان با همه توان کوشا باشیم. نباید حتی برای یک لحظه هم از یاد ببریم که نیروی ما، و منبع لایزال همه امکانات و توان ما، پشتیبانی و حمایت مردم است. مردم کردستان تکیه‌گاه مطمئن و مستحکم هستند که سعادت خویش را در پیشرفت فعالیتها و پیروزی حزب ما می‌بینند. از این روی می‌توانیم اطمینان داشته باشیم تا هنگامی که شعارها و موضع‌گیریهای ما انعکاس خواستها و آرزوهای توده‌های مردم است، و در پشتیبانی آنان نیز برخورد داریم، و در نتیجه هیچ مانعی بر سر راه مبارزه پیشرفت ما را بسوی پیروزی سد نمی‌کند، و هیچ دشمنی ما را بازاندوختی در نمی‌آورد.

بنابراین، وظیفه همه کارها و اعضا و پیشمرگان حزب این است که تا آنجا که در توان دارند شمارهای حزب را بیشتر بدون توده‌های مردم ببرند، سیاستها و موضع‌گیریهای حزب را برای آنها توضیح دهند. توجه کافی به نظرات آنان مبذول دارند، به مشکلات و خواستههایشان گوش فرا

## بقیه: هشتم مارس، روز جهانی زن

زنان تعیین گردد. این پیشنهاد از طرف زن مبارز آلمانیه "کلارا زتکین" به کنگره ارائه شده بود.

از آن موقع تا بحال همه ساله سازمانهای زنان و احزاب مترقی جهان روز هشتم مارس را جشن میگیرند و سازمانهای زنان در این روز فعالیت سالانه خویش را جمع بندی نموده، شعارهایی را باید در آینده برای تحقق آنها مبارزه نمایند، مشخص می نمایند.

البته قدمت اتحادیه های زنان به زمانهای دورتر از ۱۹۱۰ میرسد. بعنوان نمونه در سال ۱۸۷۱ نزدیک به ده هزار زن فرانسوی فعالانند برای دفاع از کمون پاریس در مقابل دشمنان آن، پیادهای بمیدان گذاشتند و اتحادیه های برای دفاع از پاریس و پرستاری از زخمی شدگان تشکیل دادند که عدای از آنها هم در جنگهای خیابانی کشته شدند.

از آن موقع تا کنون، زنان در بسیاری از کشورها سازمانهای دفاع از حقوق انسانی خود و برابری حقوق با مردان را تشکیل داده اند و بر اثر فعالیتها و تلاشهای خود توانسته اند تا حد زیادی در شناساندن مقام زن و احقاق حقوق وی در جوامع امروز جهان توفیق یابند. چراکه جوامع بشری همچون تمام سده ها تا به نرسیده در

حرکت بسوی تکامل و ترقی، تغییر می یابند و پا به پای رشد علوم و صنایع، افکار و سنتهای کهنه زایل و اندیشه های نو و مترقی، متناسب با رشد علوم و فرهنگ و تمدن جای آنها را میگیرند. لیکن این بسد ان معنی نیست که این حرکت روبه پیشرفت اجتماعی خود بخود و بدون مبارزه و در حالت و فعالیت گروهی انسانها انجام پذیر باشد. برای تغییر و پیشرفت در عرصه های مبارزات مداوم و پیگیر و تحمل هزاران سختی لازم است. در نتیجه گرچه امروزه شرکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، در کشورهای مترقی و صنعتی پیشرفته، امری بدیهی بنظر میرسد، اما نباید فراموش کرد که زنان در آنجا هم در زمانی نه چندان دور، چون انسانی اسیر و بسد و ن حقوق بسر میبردند و اگر به برابری نسبی حقوق خویش با مردان رسیده اند، این حاصل فداکاری و مبارزه میلیونها زن است که با تشکیل انجمنها و گروهها و اتحادیه ها، با ترویج افکار و خواسته های روای خود، حقیقت را شناسانده و به جامعه قبولانده اند.

با وجود این، هنوز هم در عرصه تسخیر فضای کیهانی، در بسیاری از کشورهای جهان و میلدونها انسان بنا بر زن از حقوق برابر

با مردان محروم مانده اند، و متاسفانه یکی از این کشورها ایران است که در آن تا به امروز زنان را پیوسته چون نیمه انسانی تماشا کرده و انواع ستم بر آنها روا داشته اند.

در ایران، هر چند بعد از انقلاب مشروطیت گروههایی برای دفاع از حقوق زنان و رفاه محرومیتهای آنان بوجود آمدند، ولی بدلت عقب ماندگی کلی جامعه ایرانی و نبودن فضای باز برای رشد اندیشه ها، این امر، پیشرفت محسوسی نکرد و بدلت فقر فرهنگی، بویژه در بین زنان، مساله تشکل زنان و فعالیت آنان برای بدست آوردن حقوق برابر با مردان بعد از پدیده های تازه و زنده، در عرصه اجتماعی ایران رشد قابل توجهی نیافت.

در زمان حکومت ملی دکتور صدق قفید، که آزادیه های نسبی بوجود آمد و احزاب و گروههای سیاسی امکان فعالیت و مبارزه پیدا کردند، سازمانهایی هم از زنان در کنار او وابسته به آن احزاب و گروهها بوجود آمدند. ولی از آنجا که بطور اساسی در راه پیشبرد خواسته های آن تحقق شعارهای سیاسی آن احزاب و گروهها فعالیت داشتند، فعالینهایشان در محدوده فعالیتهای سیاسی احزاب محصور ماند و شعاع برابری حقوق با مردان نتوانست در دنیای تنگ و تنگهای وسیع



زنان ایران بطور جدی مطرح گردید و زنان را در شهر و روستا بصورتی گسترده بیدان بکشاند . در جریان مبارزات سالهای بعد و بخدمت در سال ۱۳۵۷ هم البته زنان باز در رون یا در حاشیه سازمانها و گروههای سیاسی فعالیت داشتند . اما رویهمرفته مساله زنان و بی حقوقی آنها در جامعه ایرانی، در میان مسائل گوناگون دیگر همچنان کم رنگ باقی ماند ، که این وضع هنوز هم ادامه دارد . تازه منظور ما از این گفته ، برحورد با مساله زن در بین سازمانهای سیاسی مترقی و اپوزیسیون و اقشار اجتماعی نسبتاً پیشرفته و با فرهنگ ایرانی است ، وگرنه از موقعیت ناخنجار زنان در ایران آخوندها هم اطلاع کافی داریم و میدانیم که مساله بی حقوقی زن ، در این رژیم واپسگرا چگونه صورت شرعی و رسمی پیدا کرده است . همیشه نگاه کوتاه به وضع زنان در ایران ، میتواند تعیین کننده مسیله مبارزات در راه احقاق حقوق زنان در خطوط خود باشد .

در واقع ، زنان بعنوان نیکی از جامعه انسانی ، در درجه نخست از ستم اجتماعی و طبقاتی در رنجند و از این نظر بانیه هم دیگر یعنی مردان یکسان و همراهند . حکومتهای استعمارگر در دورانهای بی دینی تاریخی برگزیده ، همه افراد زحمتکش

سوار بوده اند و هستند . بنابراین روشن است که مبارزه زنان برای کسب شخصیت انسانی شان در مرحله اول باید در جهت رفع ستمهای اجتماعی بطور کلی متوجه سیستمهای حکومتی و نظامهای ظالمانه حاکم بر کشورها باشد . اینکار هم البته از طریق فعالیت زنان در سازمانهای سیاسی مترقی و مبارز انجام پذیر است . بعنوان نمونه ، بدیهی است که هرگونه تلاش و مبارزه واقعی زنان ایرانی در جهت رفع ستم از خویش و کسب حقوق انسانی و اجتماعی ، بناچار باید نخست از کانسال سرنگونی رژیم ارتجاعی و مامعیت استعمارگر آخوندی بگذرد که مردان و زنان ایرانی را مجبور در زنجیر عقب ماندگی و استبداد سیاه قرون وسطائی خویش گرفتار کرده است .

اما در مرحله بعدی ، واضح است که زنان از ستم ویژه دیگری نیز رنج میبرند . عبارت دیگر ، هرچند زنان در کنار مردان و بسان آنان در رژیم فشارهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قرار دارند ، اما علاوه بر آن بگناه زن بودن رنج مضاعفی را هم بدوش میکنند . برای رفع این ستم ویژه ، البته سازمانهای سیاسی مبارز و مترقی میتوانند و باید زنان را یاری دهند ، اما حقیقت آنستکه ، این به تنهایی کافی نیست ، و باین عهد تنها هنگامی واقعاً و عملاً میتوان

سازمانها و جمعیتهای ویژه خود نیز باشند . اگر منطقی است که مثلاً کارگران در اتحادیه های صنفی کارگری و فرهنگیان در انجمنها و اتحادیه های ویژه فرهنگی گرد آیند و با بینش های سیاسی متفاوت و حتی گاه متضاد برای دفاع از حقوق صنفی خویش بدوش بدوش هم مبارزه نمایند ، چه دلیلی دارد که زنان نیز که نمی از جامعه را تشکیل میدهند و از عرقش و طبقت صنفی که باشند بد رجحان مختلف بمشابه زن مورد اجحاف و تعدی قرار میگیرند ، فاقد سازمانها و اتحادیه های باشند که مدافع آنان در مقابل هرگونه تبعیض و نابرابری در برابر مردان باشند؟ چه سازمانهایی از سازمانهای ویژه زنان بهتر میتوانند به مشکلات ویژه زنان در جامعه و در محیط کار نظیر حق انتخاب آزادانه ، همسر و جدائی از او جلوگیری از بارداری ، مرخصی های ویژه قبل و بعد از زایمان برای زنان شاغل ، حق زندگی مستقل و نگهداری از فرزندان ، امکانات مساوی کاریابی ، و نیز مسرد و امتیاز مساوی در برابر کار مساوی چه در موسسات دولتی و چه در موسسات غیر دولتی ، و چه حق دیگر از این قبیل آگاه باشد و پیگیرانه خواستار آنها گردد؟

## نامه برای ادوارد شوارد نادره

رفیق گرامی!

اجازه بدهید از طرف حزب دمکرات کردستان ایران، ورود شما را به منطقه خاورمیانه صمیمانه خیر مقدم بگویم. پس از سالهایتمادی و بویژه پس از آغاز دوران "گلاسنوست و پرسترویکا" که موجب درگونیهای عظیمی در سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی گردیده، این نخستین بار است که وزیر خارجه کشور شما را از خاورمیانه دیدن می کند. تردیدی نیست که این دیدار در راستای تسریع پروسه صلح و تشویق کشورهای منطقه به حل مسائل مورد اختلاف از طریق مسالمت آمیز و عادلانه انجام می گیرد. حال که در بسیاری از نقاط جهان پروسه صلح و دستیابی به راهحلهای مسالمت آمیز و عادلانه، اختلافات بطور موفقیت آمیزی پیش می رود و به جنگهای محلی یکی پس از دیگری پایان داده می شود، امید است که نقش فعال اتحاد شوروی این پروسه را در خاورمیانه نیز سرعت بخشد.

هنگامی که صحبت از صلح در خاورمیانه بیان می آید، معمولاً به دو مشکل اشاره می شود: مساله فلسطین و رفع اختلافات فیما بین ایران و عراق. بدون تردید حل این دو مشکل در امر تأمین صلح و آسایش در منطقه اهمیت اساسی دارد. لیکن مساله مهم دیگری که عبارت از مساله کرد است و خواهی نخواهی در اوضاع کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه مؤثر می باشد، عالماً و یا عامداً مورد توجه قرار نمی گیرد. در حالیکه مساله کرد مشکلی است واقعی که با سرنوشته ۲۵ میلیون کرد ارتباط دارد. در این نامه من می خواهم توجه شما را بویژه به کردستان ایران جلب بکنم که دارای هشت میلیون جمعیت است و در همسایگی اتحاد شوروی قرار دارد.

اکنون ده سال است که سران جمهوری اسلامی جنگ ناخواسته ای را بر مردم کردستان ایران تحمیل نموده اند. دولت مرکزی بمنظور سرکوب جنبش مردم کردستان، دوست هزار نفر از افراد مسلح خود را در کردستان متمرکز کرده و بیش از سه هزار پایگاه نظامی در روستاها و مناطق استراتژیک ایجاد نموده است. طی ۱۰ سال جنگ بیش از چهل هزار تن از مردم بیدفاع کشته شده و صدها هزار نفر آواره گردیده اند. این جنگ هنوز هم ادامه دارد. خواست مردم کردستان ایران بسیار ساده و عادلانه است. آنها خواهان خود مختاری در چهارچوب کشور ایران می باشند و همچنانکه شما خوب می دانید، این حقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای مربوط به آن و منشور سازمان ملل نیز گنجانده شده است.

بر خلاف آنچه دشمنان ملت کرد تبلیغ می کنند، کردها جنگ طلب نیستند. برعکس آنها هوادار صلح و آسایش می باشند. لیکن هنگامی که موجودیت آنها بعنوان یک ملت به خطر بیافتد، ناچار به دفاع از هویت ملی و شخصیت انسانی خود برمی خیزند.

هنگامی که در ماه ژوئیه ۱۹۸۸ دولت جمهوری اسلامی پس از یک سال تردید و بی تصمیمی بر اثر فشار واقعیتهای سیاسی و نظامی، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان رهبر جنبش مردم کردستان از این اقدام استقبال بعمل آورد. در واقع حزب ما از همان آغاز این جنگ را بزبان خلقهای دو کشور همسایه تلقی می نمود و طرفدار خاتمه جنگ و استقرار صلح بود.

لیکن با اعلام آتش بس در میان ایران و عراق جنگ در کشور ما پایان نیافته و مقاومت مسلحانه مردم کردستان بمنظور تأمین دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان همچنان ادامه دارد. جنگ هنگامی کاملاً پایان

خواهد یافت که به خواستههای خلق کرد توجه شود و مسأله کرد از طریق مسألت آمیز حل و فصل گردد .  
رفیق گرامی !

هدف اصلی شما از سفر به منطقه خاورمیانه تسریع روند صلح در این منطقه است . این هدفی است که ما نیز دنبال می کنیم . لیکن تا هنگامی که مسأله کرد راه حل عادلانه خود را پیدا نکند ، تأمین صلح پایدار در خاورمیانه امکان پذیر نخواهد بود . بویژه باید بخاطر داشته باشید که بیش از پانصد کیلومتر از مرزهای مشترک ایران و عراق در کردستان قرار دارد .  
اتحاد شوروی هم بعنوان بزرگترین کشور سوسیالیستی و هم بعنوان کشور همسایه مسؤولیت انکارناپذیری در منطقه خاورمیانه بعهده دارد و به همین جهت باید از خواستههای عادلانه خلق ستمدیده کرد ، که از همه حقوق ملی و انسانی خود محروم می باشد ، دفاع نماید . اگر سنن دیرین دوستی و نزدیکی در اهداف سیاسی جنبش کنونی کردستان ایران و اتحاد شوروی نیز مورد نظر قرار گیرد ، آنگاه مسؤولیت کشور شما در امر پشتیبانی از خواست دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان ایران افزایش می یابد .  
رفیق گرامی !

مسأله کرد در ایران نباید يك مسأله داخلی محسوب گردد . خواستههای خلق کرد در ایران تمام و کمال در چهارچوب حقوق بشر می گنجد . ما ، از شما ، که هوادار حق تعیین سرنوشت خلقها و تأمین حقوق بشر در سراسر جهان هستید و در آینده نزدیک پایتخت کشور شما میزان يك کنفرانس بین المللی در مورد حقوق بشر خواهد بود ؛ انتظار داریم که طی مسافرت خود نظر اتحاد شوروی را در پشتیبانی از خواستههای عادلانه خلق کرد ابراز دارید و از هیچ کوشش و توصیه ای بمنظور دستیابی به حل مسألت آمیز مسأله کرد دریغ نورزید . موفقیت شما را در این رسالت شریف خواهانیم و برای ملل شوروی در راه پیشبرد هدفهای انقلابی دمکراتیزاسیون و بازسازی ، آرزوی موفقیت می کنیم .

با تقدیم درود های صمیمانه عبد الرحمن قاسم

دبیر مرکزی

حزب دمکرات کردستان ایران

۲۰ فوریه ۱۹۸۹ = ۱ اسفند ماه ۱۳۶۷

بیاورند ، حتی المقدور در جایی با دشمن درگیر شود که احتمال پیروزی برای او بیشتر و احتمال شهادت و زخمی شدن کمتر است . نباید از نظر دور داریم که پیشمرگان سرمایه پرارزش حزب و خلق برای پیمودن راه مبارزه در رسیدن به هدف نهایی اند این سرمایه پرارزش را نباید به آسانی از دست بدهیم ، بلکه باید از آن يك مراقبت مسؤولانه بعمل آوریم و در حفظ و گسترش و تقویت آن کوشا باشیم .

جنبشی است خودجوش و مستقل ، و به تحریک هیچ نیروی بیگانه ای بسراه انداخته نشده است تا بر اثبات توافق بین ایران و عراق یا بهر علت دیگری از این دست متوقف گردد . در این راستا وظیفه مسؤولان نظامی است که در بالا بردن سطح کارایی و رزمندگی پیشمرگان و نیز در برقراری نظم و دیسیپلین آگاهانه و رعایت مخفی کاری بعنوان دو عامل اساسی در پیروزی طرحهای نظامی

## توجه : به استقبال سال نو

هند و این نظرات و خواستهها را در ارگانهای رهبری حزب منعکس نمایند ؛ مردم را آموزش دهند ، و از مردم بیاورند ؛ و خلاصه کاری کنند که یوسته بتوانیم ادعا کنیم حزب دمکرات مردم کردستان يك واحدند ، و جدا کردن آنها از هم نه تنها برای دشمن ، بلکه حتی برای دوست نیز کسار دشواری است .

۲ - بگوئیم مثل همیشه حضور خویش

اولین شماره روزی جز خدمات کوردستان ایران

### درباره کتاب «سلمان رشدی»

حدود دو ماه است که مسأله «سلمان رشدی» آيات شیطانی» تألیف سلمان رشدی در صدر اخبار و مجارشات رادیو - تلویزیون و خبرات جهان قرار گرفته است. انتشار این رمان جنجال بزرگی پیا پی ساخته و بر روابط دیپلماتیک میان ایران و برخی کشورها نیز تأثیر گذارده است. بگونه ای که سرانجام بدنبال چند هفته اختلال در روابط میان ایران و بریتانیا، روابط این دو کشور به یکباره قطع گردید.

البته آنچه که مسأله کتاب «آیات شیطانی» را آنقدر برجسته نموده که در سراسر جهان انعکاس پیدا کند و جنجال سیاسی بزرگی پیرامون آن برآید، افتد، فرمان دور از عقل و منطق خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی و کسانی است که در چاپ و انتشار کتاب سزور دست دارند. این فتوای نابجا که طبق موازین شناخته شده بین المللی دخالت آشکار در امور داخلی کشورهای دیگر محسوب می‌شود، عملاً به تبلیغ برای کتاب «آیات شیطانی» تبدیل گشته، موجب شهرت این کتاب در سراسر جهان شده است بدون شك اگر فتوای خمینی صادر نمی‌شد و از طرق قانونی با این کتاب برخورد اصولی بعمل می‌آمد، نه این حصار

و جنجال به این صورت پیرامون آن برآید می‌افتاد رنه کشور بلا زده، ما بار دیگر به انزوا دچار می‌گردید. همه میدانند که این اولین باری نیست که خمینی به باورهای مذهبی یا آئینی توهین میکند؛ اما نخستین بار است که مسأله چنان بزرگ می‌شود که در رابطه با آن چنین جبهه بندی‌ای بعمل آید و به مرز قطع روابط دیپلماتیک دولتها میرسد.

واقعیت این است که منظور خمینی از برآید انداختن این جارو جنجال دفاع از اسلام و اعتقادات مذهبی مسلمانان نیست. آخوندهای فرمانروا و شخص خمینی بکرات چندین بار حرمتیهایی را نسبت به باورهای صدها میلیون مسلمان سنی مذهب روا داشته اند و حتی خاندان پیامبر اسلام نیز از زخم زبان این باامطلاح حارسان اسلام در امان نبوده است. هدف اصلی خمینی و رژیمش از برآید انداختن این هابهو منحرف ساختن افکار عمومی مردم ایران از هزاران معضل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشورشان و احیای نفوذ خمینی در میان طرفداران متعصب وی بود. هر چند باید اصرار کرد که در کوتاه مدت خمینی توانسته

است با سواستفاده از احساسات مذهبی بخشی از مسلمانان نام خود را بر سر زبانها اندازد و برای مدت هر چند کوتاهی هم که شده خود را وکیل و قیام جهان اسلام جا بزند، اما تردیدی نیست که سرانجام، آخوندها در این توطئه نیز با شکست روبرو خواهند شد و دیری نخواهد پایید که مردم ایران و جهان خارج نیز به نیکیات پلید این بازرگان دین پی خواهند برد.

ما طی مطلبی که در شماره پیشین «کوردستان» درج شده بود فرمان دور از عقل و منطق خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی را دخالت در امور داخلی کشورهای خارجی دانسته، آنرا مردود شمردیم؛ و اینکه کار را اکنون نیز محکوم میکنیم. اما در همان حال اکنون که از طریق رسانه های گروهی بیشتر از محتوای کتاب «آیات شیطانی» اطلاع یافته ایم، بر این باوریم که این کتاب بی‌حرمتی آشکار و صریح به اعتقادات مذهبی صدها میلیون مسلمان است و از اینرو آنرا به شدت محکوم میکنیم. ما ضمن اینکه اعتقاد عمیقی به آزادی عقیده و بیان داریم، معتقدیم که هیچکس حق ندارد در پوشش استفاده از آزادی بیان و قلم بقیه در صفحه ۱۲

## بقیه: کنش شده و آینده افغانستان

و بطور کلی نیروی چپ در این کشور است. مجاهدین افغان چنین وانمود می‌کنند که چپ در افغانستان فاقد نیرو است و از هیچ پایگاه داخلی برخوردار نیست. در نتیجه، با دعای آنها حکومت کنونی بدون حضور مستقیم نیروهای شوروی توانایی هیچگونه مقاومتی نخواهد داشت. و پس از خروج شورویها - بلافاصله سقوط خواهد کرد. اما نیروی چپ در افغانستان هم بالقوه و هم بالفعل وجود دارد، و انکار وجود آن جز کتمان حقیقت چیز دیگری نیست. این نیرو از زمان ظاهر شاه تا کنون نیروی بسیار فعال و مبارز بوده است. بنابراین: اولاً - اگر هم بغرض در شرایط فعلی بزور از میدان رانده شود شکی نیست که بعنوان یک نیروی واقعی و مهم همچنان باقی خواهد ماند و یک عامل اساسی بی‌شکستی اوضاع در افغانستان آینده خواهد بود. ثانیاً - این نیرو بهر حال اکنون حکومت را در دست دارد؛ دارای نیروی مسلح ارتش و ژاندارمری است، متکی هم بر سازماندهی دولتی و هم بر سازماندهی حزبی است، کنترل شهرهای بزرگ و بعضی از مهمترین راهها و مناطق استراتژیک را در دست دارد، در

مسائل ملی حقوقی به خلقهای افغانستان داده است، زنان را تا حدی از قید و بندهای شدید مذهبی آزاد کرده است. در پرورش جوانان کوششهای چشمگیر بعمل آورده، و بطور کلی مجموعه ای ساخته است که می‌خواهد از خود و از ایدالها و دستاوردهایش دفاع کند. آینده نشان خواهد داد که این مجموعه عملاً تا چه حد توانایی دفاع از خویش را خواهد داشت. اما همچنانکه گفته شد مسلماً هیچ تصویری غیر واقعی‌تر از تصور افغانستانی بدون وجود حضور نیروی چپ، و هیچ خیالی خام‌تر از طرد یکباره این نیرو نیست.

نیاز زمانه می‌گوید که آینده ای کم و بیش باتمیسات در افغانستان تنها هنگامی میسر خواهد بود که یک حکومت دمکراتیک و غیر مذهبی، ولی مردمی و متکی بر فرهنگ و سنت "افغان" و با رعایت حقوق ملی خلقهای کشور در آنجا مستقر گردد. و لیکن همه چیز نشان میدهد که تا این مرحله، فعلاً راه دراز و پر سنگلاخی در پیش است [۰۰۰]

## بقیه: به استقبال سال نو

از سوی رابطه دوستی و همکاری خود با نیروهای دمکرات و میهن پرست ایرانی را تحکیم بخشیم برای آنکه همه نیروها در جهت مبارزه بمنظور سرنگونی رژیم آخوندی و روی کار آوردن یک رژیم دمکراتیک و مرفقی با هم بکار افتند، و از سوی دیگر خواستهای عادلانه و انسانی مردم گوردستان را به افکار عمومی جهان و سازمانها و محافل بین‌المللی بهتر بشناسانیم تا بدین ترتیب توجه آنان را جهت پشتیبانی از مبارزه رهایی بخش خلق کرد جلب نمائیم.

با این برداشت و عقیده است که به استقبال سال تازه می‌رویم، و اطمینان داریم که اگر این وظایفی را که به آنها اشاره کردیم و در جریان مبارزه و تلاش انقلابی برعهده ما است بانجام برسانیم سال ۱۳۶۸ سالی پر خیر و برکت و دست‌آورد خواهد بود و ما را چندین گام به پیروزی نهایی نزدیکتر خواهد کرد. به این امید که همگی در راه انجام وظایف خویش و تحقق آرمانهای مقدس مان موفق باشیم، از هم اکنون نرا رسیدن سال نورا به رفق‌های مبارز حزبی و مردم گوردستان و همه خلقهای ایران تبریک می‌گوئیم ●

## بقیه: دربارهٔ نام سلطان رشیدی

به اعتقادات آئینی و مذهبی و سیاسی مردم توهین نماید. برای اینکه حدود و چهار چوب آزادی بیان و قلم برهم نخورد، لازم است آنکس که قلم برداشته، به نوشتن مطالبی اقدام نکند شخصاً خود را سانسور نماید و بخش اجازه ندهد که به مقدسات

# فعالیت در خارج از کشور

## اسپانیایی

نشست با مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست اسپانیا

د روز پنجشنبه د وم فوریه ۱۹۸۹، نمایند ه حزب د مکررات کردستان ایران د اسپانیا با آقای "کارلوس کارنیرو" مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست اسپانیا دیداری بعمل آورد .

د رایین ملاقات نمایند ه حزب ضمن آرزوی موفقیت برای پروسه وحدت د ربین حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلقهای اسپانیا، اوضاع کنونی ایران ، موقعیت جنبش خلق کرد د کردستان ایران و قتل عام زندانیان سیاسی د ایران را برای وی تشریح نمود . د رایین نشست آقای کارلوس کارنیرو ضمن ابراز خوشوقتی از دیدار با نمایند ه حزب د اسپانیایی و آرزوی موفقیت برای جنبش ملی د مکرانیک خلق کرد د تحقیق د مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان ایران طی اظهارات خود از جمله د رابطه با نقض حقوق اولیه انسانی د ایران گفت که ، حزب کمونیست و سازمان د فاع از حقوق بشر د اسپانیا همراه با چندین سازمان دیگر و نیز عده ای از

را بمناسبت آمدن وزیر امور خارجه ایران به اسپانیا تهیه دیده اند ؛ که د رآن ضمن اعتراض شدید به کشتار جمعی زندانیان سیاسی د ایران ؛ خواستهای نیز د ر چهار ماده فرموله شده است . سپس وی ضمن ارائه پیش نویس اطلاعیه نظر نمایند ه حزب د اسپانیا را نسبت به آن خواستار شد . رفیق حزبی ضمن تایید اطلاعیه مزبور ، تذکر داد که اطلاعیه ازیک نظر ناقص میباشد و آن اینکه د ر آن اشاره ای به مسأله خلق کرد د ایران نشده است ، مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست ضمن قبول اهمیت مسأله قبول داد که این امر را باید یکسر سازمانها و شخصیتهای اعضا کنند ه اطلاعیه نیز د رمیدان بگذارد . د نتیجه با تایید همه براهمیت مسأله ، ماده د دیگری د مورد خلق کرد د ر آن گنجانید ه شد . این اطلاعیه د روز ۸ فوریه ۱۹۸۹ ( ۹ بهمن ) همزمان با سفر "علی اکبر ولایتی" وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به اسپانیا د روزنامه "ال پائیس" پرتیراژترین روزنامه این کشور بچاپ رسید . متن اطلاعیه : اطلاعیه بمناسبت دیدار وزیر امور خارجه ایران !

ما امضا کنندگان اطلاعیه ، ام از زن و مرد ، پیرو جوان و از تمام اقشار جامعه بمناسبت آمدن وزیر امور خارجه ایران "علی اکبر ولایتی" به اسپانیا ، اعتراض شدید خود را نسبت به کشتار جمعی زندانیان سیاسی که طی ۶ ماه گذشته د زندانهای ایران صورت گرفته است ، اعلام میداریم . نیروهای اپوزیسیون صحبت از کشتار ۱۰ هزار زندانی سیاسی میکنند و عفو بین الملل نیز خبر از عزاران کشته میدهد . "حرفرد انسانی حق زندگسی دارد . این حق از طریق قانون مورد حمایت قرار خواهد گرفت ، و هیچ کس نباید تحت هیچ عنوانی از حق زندگی محروم گردد " (میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی شهروندان) . ماضمن همدردی عمیق با مردم رنج دیده ایران ، کسه اکنون یکی از دشوارترین لحظات تاریخ خود را از سر میگذرانند و بهترین فرزندان خود را از دست میدهند ؛ انزجار خود را از این اعمال غیر انسانی اعلام میداریم و میخواهیم که :  
۱. کشتار ، شکنجه و مجازات د ستگیریهای وسیع به خاطر مسائل عقیدتی بلاد رنگ قطع گردد .  
۲. تمام زندانیان سیاسی فوراً آزاد گردند . چون این رژیم د ر عمل نشان داده کسه بقیه در صفحه ۱۶

## «عفو» زندانیان سیاسی

پس از چند ماه اعدام گروه گروه از زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی و متعاقب پراخ افتادن موج خشم و اعتراض افکار عمومی جهانی علیه این کشتارهای بی سابقه، رژیم آخوندی درصدد برآمد برای اعاده حیثیت خویش و فریب بعضی افراد در داخل و خارج از کشور، سیاسی و مکررات مآبانه بخود بگیرد.

بدین منظور ری شهری وزیر اطلاعات رژیم طی نامه‌ای از دیکتاتور زمان خواست برای «تجلیل» از دهمین سالروز انقلاب موافقت کند به غیر از ۹۰۰ نفر که «مستقیماً در ارتکاب قتل و جنایت دست داشته‌اند» بقیه زندانیان سیاسی یا به قول ایشان «گروه‌های» آزاد شوند.

خمنی هم بنا بر عادت طی جوابی کوتاه موافقت خود را با پیشنهاد جناب وزیر اطلاعات نشان داد و ضمن نصایح «پدرانه» ای به خانواده‌های زندانیان سیاسی در حقیقت از آنان خواست که مواظب فرزندانشان باشند و نگذارند باردیگر راه شرف و مردانگی و دفاع از آزادی و مسیر مبارزه برای سرنگونی رژیم آخوندی و استفسار آزادی و دیکراسی در ایران را در پیش گیرند.

اما مدت‌های پیش از آنکه فرمان رسمی خمینی صادر شود شایعه صدر عفو زندانیان سیاسی بر سر زبانها افتاد بود و همه احزاب و سازمانهای سیاسی و افراد آگاه و

درون قدرت حاکم می‌دانستند که صدور این فرمان از سوی دیکتاتور جباران تنها بمنظور سرکوب نهادن جنایات و کشتارهایی است که در حق زندانیان سیاسی اعمال شده و تلاشی است برای خاموش کردن صدای اعتراض افکار عمومی جهانی و سازمانهای بشر دوست.

از این رو همه احزاب و شخصیت‌های اپوزیسیون بر بی ارزش بودن این فرمان صحه گذاشتند و قاطعانه اعلام کردند که فرمان عفو مطمئناً نمی‌تواند جای هیچ گونه امیدواری برای زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان باشد.

با گذشت چند هفته از صدور فرمان عفو، پوچی و بی محتوا بودن این به اصطلاح بخشودگی بهتر و آشکارتر نمایان شد. زیرا شمار کل زندانیانی که به ادعای رژیم واپسگرا مشمول عفو جناب امام واقع گردیدند و آزاد شدند به ۲۵۰۰ نفر رسید و تازه بر مردم ایران روشن نشد که این عده چه کسانی هستند و به کدام گروه یا سازمان سیاسی تعلق دارند.

همچنانکه خلقهای ایران و حتی همه مردم جهان در جریان بودند رژیم آخوندی که در شش ماهه اخیر سال ۱۳۶۷ به شیوه‌ای بی سابقه به اعدام زندانیان سیاسی تدریجاً بود، هیچگاه اساسی اعدام زندگان و تاریخ و بدل اعدام فرزندان آزاد می‌شود مردم ایران را به اعلام تکلیف و

منتشر شده است از برخی راهب‌های غیر رسمی به دست خانواده‌هایشان یا احزاب و سازمانهای مربوطه رسیده است.

علاوه بر این نه اسامی ۹۰۰ نفری هم که بنا بقول وزیر اطلاعات رژیم مستقیماً در ارتکاب جنایت و قتل دست داشته‌اند، از سوی مقامات رژیم اعلام شده و نه اسامی افرادی که از زندان آزاد شده‌اند در رسانه‌های عمومی منتشر شده است تا بر مردم روشن شود که زندانیان آزاد شده چه کسانی هستند و تعدادشان چند نفر است. از تمام این حقایق می‌توان نتیجه گرفت که:

نخست - شمار افرادی که به دست رژیم جمهوری اسلامی اعدام و گلوله‌باران شده‌اند، از آنچه تاکنون روشن شده است بسیار بیشتر است و کسانی که تاکنون خبر اعدامشان به بستگان و یا سازمانهای متبوعان رسیده، تنها بخش کمی از قربانیان دیکتاتوری واپسگرا و قرون وسطایی آخوندی هستند.

سپس - ۹۰۰ نفری که رژیم ادعا می‌کند در ارتکاب قتل و جنایت دست داشته‌اند، در واقع ۹۰۰ نفر شخص نیستند و اعلام این رقم تنها به این منظور طرح شده است که پوششی باشد بر آزاد نشدن هزاران و ده‌ها هزار زندانی سیاسی دیگر تا خانواده‌ها هر زندانی سیاسی چنین فکر کند که جگر گوشه در بندشان از نظر رژیم ضمیمه به قتل و جنایت است و از این رو مشمول فرمان عفو «حضرت» امام نشده است.

بقیه:

"عقو" زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی همچنان در سیاهچاله‌های رژیم جمهوری اسلامی اسیرند و با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها، روحی و جسمی و غیرانسانی‌ترین شرایط زندگی در داخل زندان دستگیر به گریبانند. در چنین حالتی باز هم باید منتظر باشیم که هر هفته و همراه خبر اعلام عده دیگری از فرزندان دلاور خاقهای ایران به دست احزاب سازمانهای سیاسیست و خانوادهاى داغ‌دیده‌شان برسد. از سوی دیگر آن عده نیز که از زندان آزاد شده‌اند، در واقع

به هیچوجه از فشار رژیم بر روشنان کاسته نشده است. رژیم می‌خواهد آنها را همچنان تحت نظر و مراقبت داشته باشد و اگر ممکن نشد که آنان را بنامی بسوی خود جلب نماید لاف حیثیت و اعتبار آنها را در میان توده‌های مردم مخدوش سازد. در همین راستا بود که مشاهده کردیم در اولین روزهای پس از بخشودگی، دستگاه تبلیغاتی حکومت آخوندی به‌الاف و گزاف اعلام کرد که زندانیان آزاد شده طی تظاهراتی به‌مناسبت آزادی خویش از امام امت "تشکر و قدردانی کرده‌اند. اما چه کسی است نداند که اگر فشار سرکوب در میان نباشد هیچ زندانی سیاسی حاضر نیست پس از آزادی از

زندانیان شکنجه‌گر خود تشکر و قدردانی نماید و از ترحم و عطف و شفقتشان تمجید کند. چشمداشت آزادی واقعه... زندانیان سیاسی و بطور کلی... چشمداشت آزادی افکار سیاسی و احترام به حقوق آزادی‌یهای مردم ایران از رژیم آخوندی چشمداشتی است بیهوده و بی‌شمار. مردم ایران تنها زمانی می‌توانند به آزادی فرزندان‌شان و تحقق آرمانهایشان امید ببندند که پیشتر دیوارهای زندان بزرگ ایران را بر روی رژیم واپسگرای آخوندی فرو ریزند و این لکه ننگ شرم را که رژیم ضد خلقی آخوندی باشد از دامن میهنشان بزدایند.

بقیه:

فعالیت در خارج از کشور

میتواند زندگی هزاران انسانی را که هنوز در زندان اسیرند، به خطر انداخته و گشتار نماید. ۳. به عویت خلق کرد در ایران احترام گذاشته شود و به سرکوبی که غایب این خلق جبریان دارد، فوراً خاتمه داده شود.

۴. با اعزام فوری يك هیئت بین‌المللی به ایران، مرکب از حقوق دانان، وکلا، پزشکان و مدافعین حقوق بشر جهت تحقیق در وضع زندانها موافقت گردد. ۵. از دولت اسپانیا می‌خواهیم که همه امکانات خود را جهت قطع این "وحشیگری که وجدان

- (اطلاعیه جهانی حقوق بشر)،
- بکاربرد. این انسانیست
- است که اکنون در ایران در ابعاد
- این چنین گسترده مورد یسورش
- قرار گرفته است و وجدان بشری را
- وادار میکند که به صداد آمده و
- به اعتراض بپردازد.
- امضاکنندگان اطلاعیه:
- ۱. کمیسیون کارگری.
- ۲. اتحادیه عمومی کارگران.
- ۳. سازمان دفاع از حقوق بشر در اسپانیا.
- ۴. کلپ دوستی یونسکو و در
- مادرید.
- ۵. عدالت و آشتی و همکاری.
- ۶. جمعیت مبارزه برضد وجود
- پایگاه‌های آمریکا در اسپانیا.
- ۷. جمعیت پاتریست‌ها.
- ۸. انیستیتوی مطالعات سیاسی
- در مورد آمریکای لاتین و افریقا.
- ۹. هیئت برای صلح و خلع

سلاح و آزادی.

- ۱۰. جمعیت عدالت و صلح.
- ۱۱. جوانان سوسیالیست اسپانیا.
- ۱۲. اتحادیه جوانان کمونیست.
- ۱۳. اتحادیه چپ.
- ۱۴. حزب کمونیست اسپانیا.
- ۱۵. پاسوک و همچنین ۱۷ نفر از شخصیت‌های برجسته اسپانیا اعم از شاعر و نویسنده و هنرمند و حقوقدان.





## بلای اعتیاد در جمهوری اسلامی

مناطقى كه كشت خشخاش در آنها رواج داشت به صورت محدود در بين كشتكاران كسترش يافت . تنها در سالهاى آخر سلطنت

محمد زيناپهلوى در دوران حكومت آخوند هاست كه روند توسعه اعتياد به ويژه اعتياد به هروئين در كشور ما دامنه نگران كننده اى پيدا کرده است . به طورى كه حتى براى اين حكومتها نيز كسى خود زمينه ساز واقعه اى آن بود هاند ضرورت ايجاد دستگاهها و ارگانهاى مخصوص و تصويب قوانين ويژه را براى مبارزه با اين بلا پيش آورده است .

اما اگر در گذشته مصرف مواد مخدر محدود به لايه هاى ويژه اى از جامعه بود و جوانان را بسيار كم شامل مى شد اينك روى آوردن جوانان مملكت در سطحى وسيع به مصرف اين مواد ، دلایل بجز از انگيزه هاى پيشين دارد ، و حاصل اى از محروميتها و فلاكتهاى اجتماعى است كه مردم ما در شرايط خرد كننده آن بسر مى پرنند .

نگاهى به حاصل مجموع تدابير و طرق مبارزه ، قبلى با پدیده اعتياد كافي است تا نشان دهد كه ادعاى جديد دولت نيز مبنى بر اينكه "مجموعه" نظام و دولت تصميم قطعى و جدى خود را براى مبارزه با مواد مخدر گرفته است " و از سوى موسوى خويينى ها دادستان كل كشور ، در جلسه صبح روز ۱۹/۱۰/۱۳۶۷ عيات دولت بيان كردند كه

پراكه تجربه نشان مى دهد اعلام تصميمات اين رژيمها در اين رابطه معمولاً تحت شرايط خاص و به منظور عاى تبليغاتى معينى صورت گرفته و نه به صورت يك سياست اصولى دراز مدت و پيگير و به هدف از بين بردن علل و ريشه عاى رواج مواد مخدر .

از نظر تاريخى مصرف مواد مخدر در ايران سابقه قديمى دارد . معروف است كه فرقه اسماعيليه پيروان خود را تحت تأثير مصرف تخدير كننده هوشيش به قتلهاى سياسى و مشهور خود وامى داشتند . با وجود اين استفاده از مواد مخدر همچو گاه در ايران كسترش عام نداشته است . در دورانى كه استعمارگران اروپايى براى به زنجير كشيدن ملل سرزمينهاى شرق از راه تجارت تريك باعث رواج آن شده و از

طريقى معتاد ساختن مردم اين سرزمينها اراده استقلال طلبى و مبارزه جويى آنان را در برابر استيلاى غارتگرانه خود دچار سستى و ضعف مى كردند ، استعمال اين ماده بيستوده مردم ايران آنطور كه در چين اتفاق افتاده هرگز همه گير نشد ، و صرف آن بيشتتر در بين طبقات مرفه اجتماع يعنى آنهاييكه از يابست مى شستند و نداشتند و سپس در

نگاهى به آنچه كه مقامات رژيم به نام كشف مواد مخدر در طول سالهاى ۱۳۶۰ تا دى ماه ۱۳۶۷ از آن سخن مى گویند از گسترش دهشتناك بلای اعتياد در كشور ما حكاييت دارد .

كشف پيش از دست هزار كيلو مواد مخدر از جمله : هروئين ، تريك ، حشيش و مرفين و دستگيرى پيش از ۱۷ هزار نفر از قاچاقچيان اين مواد بنا به ادعاى معاون اطلاعات و عمليات فرماندهى كميته انقلاب رژيم در اين فاصله زمانى تنها نشان دهنده گوشه اى از ايشان بلای عظيم است كه امروزه دامنگير جامعه ما است .

البته چه رژيم سلطنتى و چه رژيم آخوندى در طول سالهاى حاكميت حويش بارغا از مبارزه عليه اين بلای خانمانسوز دم زده اند ، اما در عمل ايشان مبارزه هميشه با ناپيگيرى و مسامحه و بخصوص عدم توجه به علل اساسى گسترش مصرف مواد مخدر توأم بوده است . به اين دليل على رغم برپا داشته شدن دستگاههاى مختلف پيسر اى به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر و گذراندن قوانين گوناگون و براى كنترل و جلوگيرى از قاچاق و اشاعه اين مواد روند گسترش آن نه تنها دچار وقفه نكرديده بلكه سرعت بيشتر ، نيز يافته است .

صداقتی است و نه اگر صد اقتی هم در آن وجود داشته باشد عملاً به نتایجی بهتر از ادعاهای سابق خواهد رسید.

اقدامات ادعایی رژیم نیز به نتیجه نخواهد رسید زیرا که تکیه‌گاه ادعاهایش برای ریشه‌کن کردن قطعی بلای اعتیاد در کشور عبارتست از پیش بینی مجازاتهای شدید به موجب قوانین جدیدی که اخیراً از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشته و از اول بهمن ماه به موقع اجرا نهاده شده است.

اما باید پرسید مگر تجارب ده ساله دولت در این مبارزه و حتی پیش از آن در زمان پادشاهی محمدرضا پهلوی که فرد و از یک زاویه و البته هر کدام به خاطر حفظ نظام خود با مسأله برخورد داشته‌اند کدام نتیجه مثبتی را در کنترل و جلوگیری از توسعه دامنه اعتیاد در بین جوانان مملکت در برداشته است، که اینک بتوان با گذراندن قوانینی که کیفیتهای شدیدتری را در نظر دارد و تنها دست رژیم را در اعدام و کشتار مردم بازمی‌گذارد، این مشکل اجتماعی را حل کرد؟

امروز هرکس که اندکی آگاهی داشته باشد می‌داند که برای حل یک مشکل اجتماعی باید ریشه‌های آن را یافت و از بین برد چسبیدن به معلولهای یک مشکل و رها ساختن عللتهای آن تنها کار کسانی چون آخوندها است

که برای مقابله با هرگونه مشکلی تنها یک راه می‌شناسند و بس و آنها فشار و سرکوب است. علل گسترش دامنه اعتیاد را باید محصول حاکمیتی شمرد که جنگ، بیکاری، فقر و خفقان را به جامعه ارزانی بخشیده است و جوانان را از دسترسی به یک زندگی سالم و شرکت موثر و خلاق در اداره کشور ناامید و مأیوس ساخته است. لذا بسیاری از آنان که قادر نیستند بر ناامیدیها و تألمات روحی خود چیره گردند به ناچار برای فرار از واقعتهای آزار دهنده به دامن مخدرات پناه می‌برند، هرچند خود از پیش آگاهند که جز تخدیر فکری و فرسودگی جسم و فی الواقع یک مرگ تدریجی و بیهوده نصیبی نخواهند برد.

اما در ادعای رژیم عدم صداقتی وجود ندارد زیرا که در عمل به صورت یک پیام ود و هوا عمل می‌کند. و گرنه چگونه است که با وجود همه سختگیریها و شدت عمل‌ها، در استانهای کرد نشین غرب کشور مواد مخدر آنها را سهل الحصول و با قیمت آن در سایر استانها خرید و فروش می‌شوند. اگر این یک سهل انگاری عدی و محتسبی طبق برنامه به منظور زبون ساختن جوانان کردستان و در غم شکستن روحیه رزمنده و مبارزه جوی آنان نیست چه چیز دیگری می‌تواند باشد؟

به علاوه چه کسی می‌تواند واقع بینانه ادعا کند که آخوندها

ناتوان از رفع بحرانهای بی شماری که حاکمیت ارتجاعی آنها برای جامعه ایران بار آورده است و پا به پای افزایش خواستههای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ملی خلقهای محروم ایران، بنابه غریزه حفظ بقای خود مسأله شدت عمل در مبارزه با مواد مخدر را به صورت سرپوشی برای تشدید خفقان و سرکوب عریان بکار نمی‌برند؟ به عبارت دیگر از آنجا که اعدام مبارزین و قتل عام جمعی زندانیان سیاسی که از معاخصا پیش به صورت گسترده، آشکار و بی‌پرده صورت می‌گیرد نمی‌تواند تا مدت زیادی بهمین صورت ادامه داشته باشد و آخوندها ناچارند بهای گرانی بسیاری آن بپردازند، لذا به شیوه مردم فریبی خاص خود با پیش کشیدن مبارزه با اعتیاد میخواهند ذهن‌ها را از نیت واقعی خود دور سازند تا در پناه آن سیمای ضد مردمی خود را بپوشانند و کشتار مردم آزاده و مبارزان سرکوب جنبشها را آسانتر به پیش برند.

اقدامات سختگیرانه رژیم زیر پوشش مبارزه با مواد مخدر تنها در تصویب قوانین ویژه خلاصه نمی‌شود، قوانینی که دست‌عالم رژیم را به جان هر مبارری باز گذاشته تا هر مخالفی را تحت نام یک قاچاقچی همراه با قاچاقچیان مواد مخدر در یک مدت کوتاه ده روزه به جوخه



چند خبر مهم

ایران و جهان



د رپی صد ور حکم قتل — — — — —  
 سلمان رشدی از طرف خمینی  
 تمامی ۱۲ کشور عضو بازار مشترک  
 اروپا سفرای خود را از تهران  
 فراخواندند و در همین رابطه  
 سرانجام ایران روابط دیپلماتیک  
 خود را با انگلستان قطع کرد .  
 دعوت خمینی بقتل یساک  
 نویسندہ انگلیسی — — — — —  
 بهبود روابط ایران با غرب که  
 از حدود ۷ ماه پیش، یعنی از  
 زمان پذیرش آتش بس در  
 جنگ ایران و عراق از سوی ایران  
 آغاز شده بود، پایان بخشید و  
 دوباره ایران را بسوی انزوی  
 سیاسی سوق داد .

—x—x—x—x—x—x—x—

اد وارد شوارز نادزه وزیر  
 امور خارجه اتحاد شوروی در  
 چهارچوب مسافرت خود به چند

کشور حاورمانه بمنظور تسریع  
 پروسه صلح و تشویق کشورهای  
 منطقه به حل مسائل مورد اختلاف  
 وارد تهران شد . وی ضمن  
 ملاقات با شخصیت‌های بلند  
 پایه حکومتی در جماران به حضور  
 خمینی رفت و پیام کتبی  
 گاریاچوف را بوی تسلیم کرد .

\*\*\*\*\*

درسی امین سالگرد قیام  
 مردم تحت علیه چین، لاسا  
 پایتخت این سرزمین شامند  
 تظاهرات و ناآرامی‌هایی بود که  
 طی آنها ۱۶ تن کشته و یکصد  
 نفر مجروح شدند . امام ریی  
 برقراری حکومت نظامی، ارتش  
 چین کنترل پایتخت را در دست  
 گرفت و همه اعتصابیات و  
 راهپیمائیها را ممنوع اعلام کرد .  
 روزنامه‌های تحت کنترل چینی‌ها

استقلال نیت را منتهی دانسته و  
 تقاضای جدایی از چین را  
 هذیان خواندند .

—x—x—x—x—x—x—x—

در مجارستان و لهستان  
 اقداماتی در جهت اصلاحات  
 سیاسی صورت گرفته است . در  
 لهستان دولت موافقت کرده است  
 که علاوه بر نمایندگان حزب  
 کمونیست در پارلمان لهستان  
 نمایندگان گروه‌های دیگر از جمله  
 اتحادیه همبستگی نیز شرکت  
 داشته باشند . در مجارستان هم  
 رهبری حزب کمونیست بیانیه  
 جدیدی را مورد بحث قرار داده  
 که هدف از آن برگزاری انتخابات  
 چند حزبی در سال آینده است .  
 در پیش‌نویس برنامه‌ای که هنوز  
 رسماً به تصویب نرسیده است،  
 تعهد شده که برای آزادی،  
 عدالت و دموکراسی مبارزه  
 تلاش بعمل آید .



بنیة : هشتم مارس، روز جهانی زن

تبریک این روز تاریخی، با زنان  
 در بند ایران بطور کلی و با زنان  
 زحمتکش و محروم کردستان  
 بخصوص، اظهار همدردی می‌کنیم  
 و بمقام والای زن ارج می‌نهیم .  
 آنچه که بزنان کردستان مربوط  
 میشود عمیقاً انبوه رطوبت مسالسی  
 که همیشه انقلابی کردستان علیه

جریان بوده است، شیرزندان  
 محروم و در عین حال سوایل کرد،  
 چه سهم عظیمی از سنگینی بار  
 این جنبش را بردوش داشته‌اند .  
 این خود از عوامل مهمی است  
 که همه مردان انقلابی کردستان  
 و بویژه هر فرد فعال حزبی را  
 مادران و خواهران محروم خویش  
 را از وظائف اصلی خود بدانند و

## تبریک نوروز



سال ۱۳۶۷ پایان یافت و سال نو در حالی فرا میرسد که حاکمیت شوم آخوندها بر ایران هنوز سایه افکن است. حاکمیت که طی یک دهه درد و رنج عظیمی را برای مردم ایران بهمراه داشته است. آنچنانکه با کم یک از دوره های محنت در تاریخ ایران قابل مقایسه است.

هیات تحریریه "کوردستان" فرا رسیدن نوروز باستانی این سنت دیرین خلقهای ایران را به همهم میهنان خود تهنیت میگوید. با امید آنکه در سالیکه در پیش است کوششها در زمینه وحدت نیروهای مترقی و انقلابی بیشتر به ثمر بنشیند و سایه فداک زمان که روزانه دهها و صدها نفر را فدای بقای خود می کند از سر مردم ایران برافکنده شود.

بقیـــــــــــــــــه:

## بلای اعتیاد در جمهوری اسلامی

اعدام بسیار - به دنبال تصویب این قوانین سلسله تدابیر دیگری نیز در همین رابطه اندیشیده شده است. در این مورد می توان به ایجاب پایگاههای کنترل در اعماق خاک کشور اشاره نمود که به رژیم اجازه می دهد تا کلیه رفت و آمد های مردم را زیر نظر بگیرد. همچنین ممنوعه اعلام کردن عبور مرزهای شرقی، باریکی در طول مرزهای شرقی کشور به پهنای ۵ کیلومتر که یک سد فمهم آن بدون شک کنترل و حقه کردن جنبش خلق بلوچ در بلوچستان می باشد.

غرض از کلیه این اقدامات تکمیل و حاکم ساختن یک سیستم کاملاً پلیسی بردشور

است که تحت عنوان مبارزه با مواد مخدر در عرگونه حرکتی را علیه حاکمیت آخوندی سرکوب نماید.

رژیم خمینی می خواهد در پوشتهای گوناگون و در ظاهری قانونی نظیر مبارزه با رواج مواد مخدر یا ایجاد یک سیستم پلیسی در کشور عمر ننگین خود را در ازابخشد و آشتهای سیری ناپذیرش به خونریزی و کشتار راکه با توقف جنگ ایران و عراق ارضاء نشده باقی مانده است. کشتار جوانان در داخل کشور سیراب سازد. وگرنه هرگاه به سرنوشت جوانان کشور علاقسه داشت با کشتار جمعی زندانیان سیاسی، ایران را اینگونه از سرمایه های گرانقدر خود برای رشد و ترقی محروم نمی کرد.

بنابراین تا این رژیم باقی است مساله اعتیاد و رواج مواد مخدر نیز بدون تردید باقی خواهد بود، اما از آنطرف هم مردم

روشن بین و به ویژه جوانان آزاد ما باید بدانند که برای نجات از بدبختیها و محرومیت های زندگی تحت حاکمیت این رژیم، پناه بردن به دامن مواد مخدر رکساری است نه عاقلانه و نه مؤثر. افراد آگاه و بویژه جوانان نباید از آنچه که در ایران ما بدست حسینیان می گذرد دچار یا سرشوند و خود را زبونانه تسلیم مواد مرگبار مخدر نمایند. بجای تسلیم شدن به یک زندگی خفتبار در زندان بزرگ تحت تسلط خمینی و اسارت ذلتبار در دام مواد مخدر وظیفه اساسی عبارت است از قدم گذاشتن در راه یک مبارزه شرافتمندانه و سرفراز. تنها با مبارزه و مقاومت و دست بردارست هم نهادن است که میتوان دیو جهل و بدبختی نبوده است، یکباره به کنار نهیم.

